

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.295952.2018>

Sociological study of the role of political and social factors (ethnic schemas) affecting ethnic convergence among ethnic groups living in Ahvaz

Abstract:

It is impossible to stay out of cultural and ethnic differences in today's world societies. In the Middle East, religious, ethnic, and economic heterogeneity is a common feature of the Middle East. Also in Iran, the model of the nation is mixed and unbalanced. The purpose of this study is to investigate individual and social factors (schema and ethnicity) affecting ethnic convergence among ethnic groups living in Ahvaz. The statistical population in this study includes all citizens 18 years and older in Ahvaz. In selecting the sample population in this study, random sampling was used. The sample size was calculated using the Cochran's formula of 384 people. The results showed that there is a significant relationship between social control and ethnicity and social security and education, social capital and cultural capital and the feeling of relative deprivation and ethnic diversity with ethnic convergence but between the variables age, gender and marital status with ethnic convergence Failed. It is obvious that ethnic diversity in Iran, as an objective reality in our current society, has requirements and demands rights that are legitimate. Therefore, in order to ensure justice and equal rights for citizens, they should be considered and a solution should be provided.

Keywords: social monitoring, socio-economic status, social security, social capital, ethnic convergence

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.295952.2018>

بررسی جامعه‌شناختی نقش عوامل سیاسی و اجتماعی (طرح‌واره‌های قومیتی) موثر بر ایجاد همگرایی قومی در بین گروه‌های قومی ساکن شهر اهواز

عزت‌الله صفایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

شاهپور بهیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

اسماعیل جهانبخش^۳

چکیده

در جوامع امروزی عقب‌افتادگی از اختلافات فرهنگی و قومی غیرممکن است و از ویژگی‌های مشترک خاورمیانه، ناهمگونی مذهبی، قومی و اقتصادی است و همچنین در ایران مدل ملت مختلط و نامتعادل است لذا سوال اصلی پژوهش حاضر اینست که چه عوامل فردی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ساکن اهواز تاثیرگذار است؟ شهروندان ۱۸ سال به بالا در اهواز جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهند و در انتخاب جامعه نمونه در این مطالعه، از نمونه‌گیری تصادفی با حجم نمونه ۳۸۴ نفر استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که رابطه آماری معنی‌داری بین کنترل اجتماعی، نژاد، امنیت اجتماعی، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، احساس محرومیت نسبی و تنوع قومی با همگرایی قومی وجود دارد، اما بین سن، جنس و متغیرهای وضعیت تأهل با شکست همگرایی قومی هیچ رابطه معنی‌داری گزارش نشده است لذا واضح است که به عنوان یک واقعیت عینی در جامعه کنونی برای تأمین عدالت برابر شهروندان، باید به آنها توجه شود و راه حلی ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، همگرایی قومی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، نظارت اجتماعی،

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

^۲ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران (نویسنده مسئول) . sh.behyan@mau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران. esjahan@yahoo.com

یکی از هویت های اجتماعی مدرن زیر مجموعه هویت ملی قومیت است. نظام فرهنگی ایران یک چتر وسیع است که شامل همه اقوام می شود و تنوع قومی در ایران عاملی است که می تواند دو نقش کاملاً متفاوت را ایفا کند و از سوی دیگر، اگر به درستی مدیریت شود، می توانیم جامعه ای یکپارچه و متحد با حداقل تنش و تضاد بین قومیت ها و فرهنگ های مختلف داشته باشیم و از سوی دیگر، در صورت مدیریت مناسب، می توانیم فروپاشی انسجام ملی و خشونت و تنش را مشاهده کنیم که بین قومیت ها و فرهنگ هایی که در سراسر ایران زندگی می کردند مشاهده می شود. تنوع می تواند به اشکال مختلفی از جمله تنوع مذهبی، قومی، زبانی و ملی باشد و اگرچه ایران دارای ۶۰ درصد اکثریت فارسی زبانان است، اما وجود شش قوم اصلی عرب، لر، ترک، کرد، بلوچ و ترکمن در داخل این واحد ملی را می توان در نظر گرفت که با توجه به مطالعه موردی، شهر اهواز، می توان گفت اهواز محل اقامت اقوام مختلف از جمله اعراب ایران و مردم بختیاری است و دایره المعارف ایرانیکا و دائرة المعارف جهان اسلام این شهر را به عنوان بخشی از قشلاق و استقرار لره های بختیاری معرفی می کند و قبایل دیگری در دوره های مختلف در این شهر از جمله کلیمیان زندگی کرده اند همچنین بافت جمعیتی شهر اهواز از اقوام مختلف از جمله عرب، بختیاری، بهبهانی، دزفولی، رامهریزی، شوشتری و... تشکیل شده است و ترکیب زبانی بر مبنای ترکیب قومی فارسی اهواز، عربی، بختیاری، ترکی و زبان کردی در این شهر رواج دارد. مفهوم ملت از دید آنتونی اسمیت به عنوان یک جامعه انسانی با نام محدود به یک سرزمین است و طی سال های گذشته، تعداد زیادی از نظریه پردازان مانند جیمز کلمن، گابریل آلموند و لوئیس دلبیوپای، نظرات قبلی خود و همفکران خود را مورد انتقاد قرار داده اند و معتقدند نه تنها با مدرن شدن و توسعه سیاسی قومیت سیاسی تضعیف می شود، بلکه مدرن شدن باعث ایجاد قومیت می شود و درگیری ها افزایش می یابد و هویت های قومی گسترش می یابد (مقصودی، ۱۳۸۷: ۱۲۰-۱۱۷).

سوال اصلی پژوهش حاضر اینست که چه عوامل فردی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ساکن اهواز تاثیرگذار است؟ شهروندان ۱۸ سال به بالا در اهواز جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می دهند و در انتخاب جامعه نمونه در این مطالعه، از نمونه گیری تصادفی با حجم نمونه ۳۸۴ نفر استفاده شد. یافته ها نشان داد که رابطه آماری معنی داری بین کنترل اجتماعی، نژاد، امنیت اجتماعی، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، احساس محرومیت نسبی و تنوع قومی با همگرایی قومی وجود دارد، اما بین سن، جنس و متغیرهای وضعیت تأهل با شکست همگرایی قومی هیچ رابطه معنی داری گزارش نشده است. لذا در این تحقیق سعی می شود نقش عوامل فردی و اجتماعی (طرحواره و قومیت) موثر بر همگرایی قومی بین اقوام ساکن اهواز و همچنین ابعاد اصلی آن با استفاده از نظریه های مربوط به مشکل همگرایی و راه هایی برای افزایش همگرایی و انسجام قومی مورد بررسی قرار گیرد.

رویکرد نظری و مفهومی پژوهش

همگرایی قومی

فرآیندی که در آن به طور داوطلبانه واحدهای قومی و سیاسی قدرت خود را برای نیل به اهداف مشترک واگذار می کنند و معمولاً از یک قدرت فرا قومی یا ملی پیروی می کنند. اما در تعریف دقیق این اصطلاح نظریه پردازان همگرایی به طور کامل توافق ندارند (بهرامیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷)

طرحواره (عادت واره)

از نظر بوردیو، طرح‌واره به مجموعه‌ای از توانایی‌ها اشاره می‌کند که شخص در طول زندگی خود درونی می‌کند و در واقع برای خود ثانویه می‌شود، به گونه‌ای که فرد بدون آن، لزوماً آگاه است که بر روی آنها عمل می‌کند و بنابراین به عاملی تبدیل می‌شود تا سیستم اجتماعی را تا اندازه‌ای بازتولید می‌کند.

عادت به بیان دیگر، مجموعه‌ای از حالات ارائه شده در شخصیت کنش‌گر بوده که نحوه برخورد او با موقعیت‌های مختلف را هدایت می‌کند، به طوری که می‌توان آن را ناخودآگاه فرهنگی، قانون اجباری هر انتخاب در نظر گرفت و اصل هماهنگی اقدامات الگوی ذهنی و فیزیکی ادراک، ارزیابی و عمل را نامگذاری کرد و به بیان دیگر، عادت ماتریسی از ادراکات، ارزیابی‌ها و اقدامات است و به شخصیت و رفتاری گفته می‌شود که معنای نوعی فضای اجتماعی را دنبال می‌کند. (جمشیدیها، ۱۸: ۱۳۸۶).

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی عبارت است از عدم ترس از این‌که ویژگیها و ارزشهای اساسی انسانی تهدید یا به خطر بیفتند. همچنین امنیت اجتماعی به معنای یک محیط اجتماعی امن، وضعیت سلامت و آرامش فرد در جامعه و جلوگیری از آسیب به دیگران است (صفیری، ۲۰۰۸: ۱۴۶). لذا یکی از ضروریات زندگی فردی و اجتماعی در جامعه، احساس آرامش، امنیت و اطمینان از عدم تجاوز به زندگی بشر است (کامیار، ۱۳۸۲: ۳۳).

احساس نظارت اجتماعی

کنترل اجتماعی در واقع اعمال قدرت، هدایت یا بازداري اعمال دیگران از رفتارهای خاص، نامیده می‌شود و در واقع این متغیر به احساس کنترل اجتماعی افراد اشاره دارد که منجر به رعایت هنجارها توسط افراد می‌شود که بیشتر در جوامعی با ارتباط اجتماعی بالا خود را نمود می‌دهد و در تعریفی دیگر، بدین معناست که فرد نسبت به نظرات و دیدگاه‌های دیگران حساس است و سعی می‌کند مطابق انتظارات آنها رفتار کند و اشاره به ابزارها و روش‌هایی است که برای مجبور کردن فرد به سازگاری با گروه یا جامعه خاصی استفاده می‌شود.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی

وضعیت اقتصادی-اجتماعی به موقعیت و اعتبار فرد در جامعه، با در نظر داشتن وضعیت مالی و اجتماعی وی اشاره دارد و به دید آلن بیرو، جایی که شخص خاصی سیستم و زمان خاصی را اشغال می‌کند، پایگاه او در برابر این سیستم نامیده می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۸۱) که در واقع، بدان معناست که افراد یک جامعه از نظر داشتن "عوامل اجتماعی ارزشمند" در لایه‌های مختلف هستند و در لایه‌های بالایی، افراد غنی از عوامل اجتماعی ارزشمند طبقه بندی و به ترتیب در لایه‌های زیرین میزان این فاکتورها کاهش می‌یابد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۶۳-۱۶۲).

سرمایه فرهنگی

تمایلات پایدار فرد، سرمایه فرهنگی را تشکیل می‌دهد که در طول جامعه‌پذیری در فرد جمع می‌شود. بوردیو آموزش را مظهر سرمایه فرهنگی می‌داند، اما گرایش به اشیاء فرهنگی و انباشت محصولات فرهنگی در افراد را سرمایه فرهنگی نامید و او همچنین سرمایه نمادین را بخشی از سرمایه فرهنگی می‌داند (فاضلی، ۲۰۰۳؛ ۳۷).

سرمایه اجتماعی

نتیجه تجمع منابع واقعی یا بالقوه، سرمایه اجتماعی است که از طریق تداوم روابط کمابیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به عبارت دیگر عضویت در یک گروه از شبکه به دست می آید. شبکه ای که در آن هر یک از اعضای آن از حمایت سرمایه جمعی برخوردار هستند و آنها را شایسته اعتبار می داند و منظور از سرمایه اجتماعی همه درآمدها و منابعی است که افراد قبلاً از وضعیت اجتماعی، عضویت و ارتباط نزدیک با شبکه ها، موسسات و سازمانهای مختلف دریافت می کنند (غفاری، ۱۳۸۷: ۱۴).

تنوع قومی

به طور کلی سه رویکرد کلی در مورد ناسیونالیسم وجود دارد:

رویکرد اول ناسیونالیسم را از نظر مدرن شدن بررسی می کند و گلنر در این زمینه پیچیده ترین توصیف ناسیونالیسم را ارائه می دهد. دویچ بر توسعه روابط داخلی در داخل کشورها به این معنا تأکید دارد که به حس مشترک هویت اخلاقی و سیاسی منجر می شود و این رویکرد همچنین شامل برخی از دیدگاه های مارکسیستی است که در این نگرش ها، نتیجه توسعه نابرابر مناطق مختلف، ناسیونالیسم است. به بیان دیگر، ناسیونالیسم محصول سرمایه داری است، سرمایه داری بافت های پیوندی گذشته را که معمولاً از لحاظ تاریخی قومی هستند، از بین برده است و در نتیجه این شکاف ها به صورت شکاف های ملی خود را بروز می دهند.

رویکرد دوم که امروزه رواج بیشتری یافته است، توسط افرادی مانند اسمیت و اندرسون پیشنهاد شده است که بر اهمیت ناسیونالیسم و اعتبار هویت ملی تأکید دارند. اسمیت بر هویت ملی به عنوان قوی ترین و طولانی مدت ترین تأثیر هویت های فرهنگی جمعی امروز تأکید می کند. اندرسون با پیوند ناسیونالیسم به ترتیب فرهنگی بر اهمیت توسعه مطبوعات به عنوان مبنایی برای ظهور آگاهی ملی تأکید می کند. اکثر دیدگاه های ناسیونالیستی در این رویکرد با ترکیب دو اصل اساسی ناسیونالیسم شکل می گیرد، یکی ماهیت سیاسی ناسیونالیسم به عنوان ایدئولوژی ای که از همگنی دولت و ملت حمایت می کند و دیگری ظرفیت ناسیونالیسم برای ارائه هویت به افراد است. آگاهی از یک برنامه مشترک برای آینده و وابستگی به سرزمینی خاص. (کاتام، ۲۰۰۶؛ ۱۷)

رویکرد سوم به "تغییر ناپذیری ماهیت ملت" اشاره دارد و این تغییر بیشتر در نویسندگانی مانند هردر رومانیکها وجود دارد که آنها ملت را یک نهاد طبیعی و تقریباً ابدی می دانند که توسط خدا ایجاد شده است و یک زبان و فرهنگ خاص نقشی را ایفا می کند که هر ملتی باید در طول تاریخ ایفا کند و علاوه بر هردر، افرادی مانند نوالیس، شلایرماخر و فیخته نیز بر زبان و فرهنگ به عنوان عناصر اساسی تفکر ناسیونالیستی اشاره کرده اند (استلی، ۱۹۹۸).

به عنوان یک عامل قوی در تصمیم گیری های داخلی کشورها گروه های قومی بسیار مهم هستند. تنوع گروه های قومی در بین جوامع یک واقعیت غیرقابل انکار است و نحوه برخورد مدیریت سیاسی هر جامعه ای با اقوام مختلف در کشورها یک موضوع بسیار مهم است که به دنبال نحوه برخورد مدیریت سیاسی با گروه های قومی، نحوه تعامل گروه های قومی و مدیریت سیاسی شکل می گیرد و روشهای مورد استفاده مدیریت سیاسی جوامع در قبال گروههای قومی در قالب دو مدل اصلی جذب و تکرر گروههای قومی طبقه بندی شده است.

نظریه همانندسازی

در مدل همانندسازی، شهروندان فقط به عنوان "افراد" در نظر گرفته می شوند و نه "اعضای جناح ها" یا "گروه های قومی". می توان گفت که همانندسازی یک فرایند اجتماعی است که شامل ابعاد مختلف فرهنگی ساختاری است.

• بعد فرهنگی همانندسازی به معنای تعهد کامل یک قوم به ویژگی‌های فرهنگی گروه قومی دیگر در زمینه‌های زبان، دین و غیره است که با انجام فرایند جذب فرهنگی، اقوام مختلف موجود، از نظر اینکه کدام رفتارها و ارزشها از یکدیگر قابل تشخیص نیستند. در این میان، گروه‌های قومی غالب فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و غیره خود را بر سایر اقوام تحمیل می‌کنند.

• بعد ساختاری همانندسازی، بیانگر تعامل اجتماعی بین اقوام مختلف است که منجر به توزیع اعضای گروه‌های قومی مختلف در نهادهای مختلف جامعه و عقد قراردادهای اجتماعی با اعضای گروه‌های قومی حاکم می‌شود و از این رو، جذب ساختاری با اجرای کامل آن و در آخرین مرحله می‌تواند منجر به حذف گروه‌های قومی شود و نوع ساختاری در دو سطح متمایز از تعامل اجتماعی رخ می‌دهد، سطح اولیه یا شخصی و سطح ثانویه یا رسمی.

2-2- نظریه کثرت‌گرایی

مدل کثرت‌گرا بر اصل حقوق جمعی، گروهی، فردی و فردی استوار است و پلورالیسم همچنین دارای دو بعد فرهنگی و ساختاری است. پلورالیسم فرهنگی بر حفظ نظام‌های مختلف فرهنگی گروه‌های قومی تأکید می‌کند و پلورالیسم ساختاری علاوه بر تفاوت‌های ساده فرهنگی، وجود جوامع گروه‌های قومی را نیز در نظر می‌گیرد. تکثر گروه‌های قومی در جوامع چند قومی را می‌توان به دو صورت مشاهده کرد:

• تکثرگرایی بر اساس ایجاد برابری بین گروه‌های مختلف قومی و اقوام مختلف استقلال فرهنگی و ساختاری خود را حفظ می‌کنند، قدرت سیاسی و اقتصادی گروه‌های مختلف قومی تقریباً متعادل است و جدایی گروه‌های قومی اغلب داوطلبانه است و تفاوت‌های موجود بین گروه‌های قومی نیز توسط دولت حفظ می‌شود و حفاظت و اقدامات سازمانی برای توزیع مناسب پاداش‌های اجتماعی بر اساس گروه‌های قومی ارائه می‌شود. در این نوع پلورالیسم، برابری اقوام و دسترسی برابر اقوام به فرصت‌های اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود.

• پلورالیسم نابرابر تفکیک و تمایز ساختاری و فرهنگی گروه‌های قومی را حفظ می‌کند، اما سازماندهی قدرت بین گروه‌های قومی نامتناسب است و جداسازی گروه‌های قومی اغلب توسط سیاست‌های دولت تجویز و تحمیل می‌شود.

منتقدان مدل برابری خواهی پلورالیسم گروه‌های قومی، پلورالیسم فرهنگی را عاملی برای واگرایی جامعه و عاملی برای ایجاد و تشدید تفاوت‌های قومی می‌دانند و در مدل پلورالیسم نابرابر، تفاوت ذاتی بین گروه‌های قومی وجود دارد و نابرابری بین اقوام به رسمیت شناخته می‌شود و یک گروه قومی بر سایر اقوام جامعه برتری دارد (صالحی امیری، ۲۰۰۶: ۶۵-۶۳).

تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی روابط بین قومی

در زمینه همگرایی و تعارض قومی رویکردهای روانشناسان اجتماعی در مجموع شامل سه نظریه بحران هویت، تعصب و محرومیت نسبی است که بیشتر بر توضیح پدیده واگرایی و تعارض بین قومی تمرکز دارد و در نهایت معرفی عواملی که باعث افزایش همگرایی بین اقوام می‌شود:

بحران هویت: بحران هویت مدل اصلی تجزیه و تحلیل روان‌شناختی واگرایی اجتماعی الگوی روح جمعی گوستاو لوین است که معتقد است که در حرکت جمعی، هویت فردی به هویت جمعی تبدیل می‌شود و هویت جدیدی پدید می‌آید و روح جدیدی به نام "روح

جمعی "ظاهر می شود که اگر جنبش جمعی از شکاف هایی که قدرت بسیج بالایی دارند نشأت بگیرد، واگرایی و درگیری قومی به خشونت تبدیل می شود. (ایوبی، ۱۹۹۸: ۳۳) این نظریه می گوید بحران هویت می تواند جنبش های قومی را توضیح دهد، اما اتکا به تاریخ جمعی، زبان، فرهنگ و گذشته مشترک می تواند نوعی پیوند و همبستگی جمعی ایجاد کن. که برخلاف دیگر جوامع، هویت مستقل را می پذیرد (همان: ۳۴).

تعصب: در طول تاریخ، تعصب همیشه همگرایی قومی را به چالش کشیده است. تمایز گروه ها در سطح جامعه در هسته پدیده "تعصب" و "تصورات منفی از پیش تعیین شده" قرار دارد (برگ، ۱۹۷۸: ۵۶۹). تصورات ثابت و اشکال فکری و تعصب غالباً به کلیات غلط در مورد افراد، گروه های نژادی، قومی و مذهبی اشاره می کند که خارجی تلقی می شوند و رفتارهای خود را نسبت به افراد خارجی شکل می دهند (مقصودی، ۲۰۰۰: ۲۰۸) از دید رابرتسون به طور کلی، تعصب یک گرایش غیرمنطقی و انعطاف ناپذیر نسبت به گروهی از افراد است و جنبه واقعی تعصب این است که همیشه ریشه در تعمیم ها داشته و تفاوت افراد را نادیده می گیرد (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۵۴). در اصل، تعصب عامل زمینه ساز اختلاف قومی و توجیه کننده روابط نابرابر و تبعیض آمیز آنها است و برخی روانشناسان اجتماعی این تصورات غلط را وسیله ای برای توجیه ظلم و تداوم روابط سلطه جویانه دانسته اند.

ج) تئوری های سیاسی- اجتماعی روابط بین قومی

یکی از مهمترین نظریه ها در این زمینه ایده "جهان وطنی" است که ادعا می کند افرادی که به این شیوه از زندگی اجتماعی خود گرایش دارند می توانند بر خصومت های بین قومی غلبه کرده و بر انسان گرایی تعادل بین گروه های قومی تمرکز کنند. (برتون، ۲۰۰۱: ۱۶۷).

"نظریه محرومیت نسبی برون زا" نظریه دیگری است که در آن مسائل مربوط به قومیت مهم تلقی می شود، (صالحی، ۲۰۰۷: ۱۹). محرومیت نسبی بر دو نوع است: ۱. محرومیت درون زا که محرومیتی که ناشی از ضعف و ناتوانی فرد یا گروه است. ۲. محرومیت برون زا که محرومیتی که ناشی از کارکردها و مکانیسم های خارجی است و مستقل از ویژگی های فرد یا گروه است و این نظریه تک بعدی علت واگرایی و کاهش همگرایی قومی را احساس محرومیت نسبی ناشی از ضعف عوامل بیرونی و ساختاری، از جمله ضعف نهادهای سیاسی و اقتصادی دولتی و غیره نسبت به افراد مورد نظر می داند و گروه قومی به عبارت دیگر، احساس محرومیت برون زا باعث عدم تمایل به همگرایی بین اقوام و افزایش تنش بین آنها می شود. بسیاری از نظریه های مطرح شده، از جمله نظریه های هشتر و کوبگلو و نظریه "محرومیت نسبی و انتساب" توسط رانی مان و هوند ریش (همان: ۲۵)، به طور صریح یا ضمنی، دلیل عدم همگرایی قومی در تبعیض ساختار سیاسی تفاوت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین اقوام مختلف با نظریه محرومیت نسبی همپوشانی زیادی دارد.

همچنین نظریه "سرمایه فرهنگی" بوردیو به عنوان منبع فکری دیگری در ارتباط با توضیح همگرایی بین قومی در نظر گرفته می شود و به گفته بوردیو کاهش تعصبات قومی و زمانی، یکی از مسائلی است که تحت تأثیر میزان سرمایه فرهنگی قرار می گیرد و با افزایش زمینه های فرهنگی مشترک بین فردی با افزایش سرمایه فرهنگی، تفاوت های فردی و قومی محو می شود و تفکر و عمل منطقی جایگزین عمل سنتی و بدون حساب می شود و نزاع های قومی کاهش و باعث افزایش همگرایی می شود (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۷-۳۳۶).

نظریه مهم دیگر نظریه "عوامل ذهنی-عینی" نوشته روچیلد و شفلین است. به طور کلی، طبق نظریه فوق، هرچه احساس هویت جامعه ملی در زندگی جامعه ملی که بخشی از آن است کمتر باشد، سازمان سیاسی قومی قوی تر و سازمان سیاسی قومی قوی تر است، ناسیونالیسم قومی و ناسیونالیسم قومی شدیدتر. تعصبات و تخصص گرایی قومی اضافه می شود و گرایش به همگرایی قومی کاهش می یابد (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۳)؛ بنابراین، در این نظریه، ناسیونالیسم عامل اصلی همگرایی قومی است.

همچنین، رویکرد مبتنی بر اصل شهروندی (گرتز، ۱۹۶۳: ۱۵-۵۸) می تواند موضوع همگرایی قومی را با توجه به ادعای آن در مورد تأثیر قانون گرایی در کاهش خصومت های قومی و افزایش مبادلات فرهنگی و همگرایی قومی توضیح دهد.

نظریه دیگری که همگرایی قومی را نتیجه عوامل ساختاری و مدیریتی می داند، نظریه سیاسی ایسمن است (صالحی، ۲۰۰۷: ۳۵) که بیان می کند که اگر بوروکراسی سیاسی-اجتماعی و اداری که توسط دولت تنظیم می شود به همه اقلیت های قومی اجازه دهد تا به طور عمودی در حوزه سیاسی-اداری حرکت کرده و در سطح مدیریت دولتی در روابط اداری و سیاسی شرکت کنند، قوم گرایی کاهش می یابد و همگرایی قومی افزایش می یابد.

محدوده مورد مطالعه

جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالا در اهواز است. در انتخاب جامعه نمونه در این مطالعه، از نمونه گیری تصادفی استفاده شد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه شد.

محدوده سنی در گروه نمونه بین ۱۸ تا ۶۵ سال است و گروه سنی ۱۸-۲۷ سال بیشترین فراوانی را با حدود ۳۰.۷ درصد و گروه سنی ۶۷-۵۸ سال کمترین فراوانی را با حدود ۲.۱ درصد دارند و از ۳۸۴ پاسخ دهنده، ۲۲۳ نفر مرد هستند که معادل ۵۸.۱ درصد از کل پاسخ دهندگان و ۱۴۹ پاسخ دهنده زن هستند. ۴۰ نفر معادل ۱۰.۴ درصد کارشناسی، ۶۹ نفر معادل ۱۸ درصد دیپلم، ۵۳ نفر معادل ۱۳.۸ درصد کاردانی، ۱۵۲ نفر برابر ۳۹.۶ درصد کارشناسی، ۶۲ نفر معادل ۱۶.۱ درصد کارشناسی ارشد و ۴ نفر معادل ۱ درصد دارای مدرک دکترا هستند و از ۳۸۴ پاسخ دهنده، ۲۸/۴ درصد مجرد هستند که معادل ۱۰۹ از کل پاسخ دهندگان است و ۲۴۲ نفر از پاسخ دهندگان متأهل هستند که معادل ۶۳ درصد از کل پاسخ دهندگان است. همچنین ۴ نفر معادل ۱ درصد از پاسخ دهندگان همسر خود را از دست دادند (فوت کردند). همچنین ۲۹ مورد بی پاسخ برای این متغیر وجود دارد. از ۳۸۴ پاسخ دهنده، ۹۵٪ فارسی که معادل ۲۴.۷ درصد از کل پاسخ دهندگان است و ۱۵۷ نفر از پاسخ دهندگان عرب هستند که معادل ۴۰.۹٪ از کل پاسخ دهندگان است. همچنین ۱۳۲ نفر معادل ۳۴.۴ درصد بختیاری است.

یافته های تحقیق

میان سن و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن و همگرایی قومی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن و همگرایی قومی	080/0	131/0

Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۱ مقادیر $r = 0.080$ و $sig = 0.131$ است، می توان ادعا کرد که رابطه معنی داری بین دو متغیر سن و همگرایی گروه وجود ندارد.

میان جنسیت و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون t مربوط به رابطه بین متغیر جنس و همگرایی قومی

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t آماره	سطح معناداری
همگرایی قومی	زن	45/33	07/13	382	62/0	272/0
	مرد	25/34	06/11			

Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۲، مقادیر $t = 0.62$ و $sig = 0.272$ است، می توان ادعا کرد که هیچ تفاوتی بین دو جنس از نظر همگرایی قومی وجود ندارد و می توان گفت که میانگین نمره همگرایی قومی بین زنان و مردان تفاوت ندارد.

میان تحصیلات و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون آنالیز واریانس بین میزان تحصیلات و همگرایی قومی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	F مقدار	میزان معناداری
بین گروهی	656/2205	5	131/441	221/3	007/0
درون گروهی	938/51216	374	944/136		
کل	594/53422	379	--		

- Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۳، مقادیر $F = 3.221$ و $sig = 0.007$ است، می توان ادعا کرد که افراد گروه های آموزشی مختلف دارای نمرات متفاوتی از همگرایی قومی هستند و با استفاده از آزمونهای تکمیلی شفه و توکی، نشان داده شد که میانگین همگرایی قومی افراد دارای تحصیلات ابتدایی در مقایسه با افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی تفاوت معناداری دارد (در سطح ۰/۰۵). در واقع میزان همگرایی قومی افراد دارای تحصیلات ابتدایی به طور قابل توجهی کمتر از افرادی است که تحصیلات کارشناسی دارند.

میان وضعیت تأهل و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون t مربوط به رابطه بین وضعیت تأهل و همگرایی قومی

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t آماره	سطح معناداری
همگرایی قومی	مجرد	99/27	95/8	381	005/0-	996/0
	متأهل	00/28	23/9			

- Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۴ مقادیر $-t = 0.005$ و $sig = 0.996$ است، می توان ادعا کرد که هیچ تفاوتی بین افراد مجرد و افراد متأهل (وضعیت تأهل) از نظر همگرایی قومی وجود ندارد و می توان گفت که میانگین نمره همگرایی قومی بین افراد مجرد و متأهل تفاوت ندارد.

میان قومیت و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون آنالیز واریانس بین قومیت و همگرایی قومی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	F مقدار	میزان معنیداری
بین گروهی	068/12961	2	534/6480	952/6	000/0
درون گروهی	498/40508	381	322/106		
کل	565/53469	383	--		

- Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۵ مقادیر $F = 60.952$ و $sig = 0.000$ است، می توان ادعا کرد که افراد قومیت های مختلف نمرات همگرایی قومی متفاوتی دارند و با استفاده از آزمونهای تکمیلی شفه و توکی مشخص شد که میانگین همگرایی قومی در بین مردم بختیاری نسبت به افرادی که فارس هستند تفاوت معناداری دارد (در سطح ۰/۰۵). در حقیقت، میزان همگرایی قومی در بین بختیاری ها، در مقایسه با فارس ها، به میزان قابل توجهی بیشتر است.

میان امنیت اجتماعی و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین امنیت اجتماعی و تنوع قومی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
امنیت اجتماعی و همگرایی قومی	111/0	013/0

Source: Research findings

جدول ۶ رابطه بین دو متغیر امنیت اجتماعی و همگرایی قومی را نشان می دهد. بنابراین، با توجه به مقادیر $r = 0.111$ و $sig = 0.013$ ، می توان گفت که بین امنیت اجتماعی و همگرایی قومی رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین، هرچه سطح امنیت اجتماعی بالاتر باشد، میزان همگرایی قومی نیز بیشتر است.

میان احساس نظارت اجتماعی و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۷. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین نظارت اجتماعی و همگرایی قومی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نظارت اجتماعی و همگرایی قومی	416/0	000/0

Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۷ مقدار $r = 0.416$ و $sig = 0.000$ است، می توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد و هر چه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد، میزان همگرایی قومی نیز بیشتر است.

میان سرمایه اجتماعی و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی و همگرایی قومی	333/0	000/0

۸. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و همگرایی قومی

از آنجا که در جدول ۸ مقدار $r = 0.333$ و $ss = 0.000$ است، می توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد و هرچه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، میزان همگرایی قومی بیشتر است.

میان سرمایه فرهنگی و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۹. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی و همگرایی قومی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی و همگرایی قومی	424/0	000/0

Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۹ مقادیر $r = 0.424$ و $ss = 0.000$ است، می توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد و هرچه سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان همگرایی قومی بیشتر است.

میان پایگاه اجتماعی اقتصادی و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و همگرایی قومی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی و همگرایی قومی	207/0	000/0

Source: Research findings

از آنجا که در جدول ۱۰ مقدار $r = 0.207$ و $sig = 0.000$ است، می توان بیان کرد که بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد و، هر چه وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر باشد، میزان همگرایی قومی بیشتر است.

میان تنوع قومی و همگرایی قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تنوع قومی و همگرایی قومی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
تنوع قومی و همگرایی قومی	-292/0	000/0

Source: Research findings

با توجه به مقادیر $r = -0.2292$ و $sig = 0.000$ در جدول ۱۱. می توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معنی دار اما منفی وجود دارد و هرچه تنوع قومی بیشتر باشد، همگرایی قومی کمتر است.

در جدول (۱۲)، نتایج تجزیه واریانس و تحلیل رگرسیون همگرایی قومی با متغیرهای مستقل با روش Enter ارائه شده است. داده های ارائه شده نشان می دهد که مقدار F محاسبه شده معنی دار است ($p > 0.01$) همچنین بر اساس ضریب تعیین محاسبه شده، حدود ۳۰٪ واریانس مربوط به همگرایی قومی با متغیرهای ارائه شده در مدل توضیح داده شده است. این جدول (وضعیت اجتماعی-اقتصادی (روانی)، امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تنوع قومی و کنترل اجتماعی) قابل توجه است، بنابراین در اینجا نیز اطلاعات تجزیه و تحلیل شده اهمیت این پنج عامل را نشان می دهد و پنج متغیر در افزایش همگرایی قومی موثر بوده اند و جدول ۱۳ به خوبی این را نشان می دهد.

جدول (۱۲): تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره فرضیه های تحقیق

مدل	درجهی آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	f کمیت	سطح معناداری f	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون	7	892/4595	556/656	051/5	000/0	71/0	49/0
باقیمانده	376	673/48873	983/129				
کل	383	565/53469	-				

Source: Research findings

* پایگاه اجتماعی - اقتصادی (ذهنی)، امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تنوع قومی و نظارت اجتماعی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار

جدول (۱۳): نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

شاخص متغیرها	B	اشتباه استاندارد	Beta	t مقدار	سطح معناداری
مقدار ثابت	877/28				
- پایگاه اجتماعی اقتصادی	399/0	145/0	148/0	750/2	006/0
امنیت اجتماعی	507/0	131/0	199/0	864/3	000/0
سرمایه فرهنگی	029/0	062/0	024/0	458/0	647/0
سرمایه اجتماعی	272/0-	118/0	127/0-	313/2-	021/0
تنوع قومی	438/0-	165/0	141/0-	654/2-	008/0
نظارت اجتماعی	394/0	087/0	249/0	527/4	000/0

Source: Research findings

شکل کلی معادله پیشبینی نهایی با توجه به نتایج جدول (۴-۲۷) به صورت زیر میباشد.

$$Y = b_1 (x_1) + b_2 (x_2) + b_3 (x_3) + b_4 (x_4) + b_5 (x_5) + b_6 (x_6)$$

عناصر معادله براساس ضریب (beta) عبارتند از :

$Y =$ نمره پیشبینی متغیر وابسته

$(x_1) (x_2) (x_3) (x_4) (x_5) (x_6) =$ متغیرهای مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند.

$$Y = 877/28 + 148/0(x_1) + 192/0(x_2) + 127/0(x_3) + (141/0 - x_4) + 249/0(x_5)$$

نتیجه گیری

بر اساس یافته های تحقیق، مشخص شد که وضعیت اقتصادی اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر همگرایی قومی ساکنان دارد و در رابطه بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد و همگرایی قومی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. عوامل اقتصادی اجتماعی از عواملی هستند که باعث ایجاد همبستگی ملی می شوند چون در مشاهده شده است که افراد در جنبه های مختلف مانند زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب با یکدیگر متفاوت بودند، اما از نظر اقتصادی یک هدف مشترک دارند و در نتیجه همکاری برای رسیدن به این هدف به تدریج ادغام شده و بنیان کشوری متحد نهادند. اگرچه این ها عوامل مهمی در همبستگی و انسجام اجتماعی و در نهایت هویت قومی و ملی هستند، اما باید توجه داشت که همه این عوامل همیشه در بین مردم همه ملل وجود ندارند، و گاهی یک ملت می تواند یک جنبه سیاسی داشته باشد به گونه ای که حداقل یک عامل مشترک بین مردم آن ملت وجود داشته باشد و مردم خود را متعلق به آن می دانند. هدف اصلی تدوین سیاست های قومی بایستی تا حد امکان ترویج وحدت، هماهنگی ملی و اجتماعی و همبستگی باشد و این موضوع یک امکان اجتماعی است. نتایج این مطالعه نشان داد که از نظر آماری رابطه بین تنوع قومی در محلی سازی و نزدیکی قومی معنی دار است .

ممکن است اقدامات لازم برای از بین بردن تنوع قومی ضروری باشد چون این موضوع یک واقعیت عینی "تاریخی-جامعه شناختی" ایران از بدو تاسیس است و واضح است که تنوع قومی در ایران، به عنوان یک واقعیت عینی در جامعه کنونی ما، دارای الزامات و حقوق قانونی است و بنابراین، برای تأمین عدالت و حقوق برابر شهروندان، باید به آنها توجه شود و راه حلی ارائه گردد. بدون مطالعه موقعیت دولت واحد و مرکزی در این فرایند، نمی توان به راه حلی درست و واقع بینانه که پاسخگوی خواسته های مردم ایران باشد، دست یافت. همچنین ممکن نیست چنین طرحی را در نظام دموکراتیک آینده ارائه دهد که هم واقعیت تاریخی و هم جامعه شناسی ایران را منعکس کند و قابل دستیابی باشد.

با توجه به رابطه بین کنترل اجتماعی و همگرایی قومی، نتایج مطالعه حاضر نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر است و می توان گفت بین این دو متغیر رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه ناهمگونی بیشتری در یک محله وجود داشته باشد، مردم بیشتر قادر به تفسیر رفتار و شیوه زندگی افرادی نخواهند بود که اعمال خود را با رفتار خود متفاوت می دانند و آنها احساس خواهند کرد که دیگران ارزشهای خود را ندارند و هیچ تعهدی به جامعه ندارند. بنابراین، در چنین مناطقی، متعلق به همسایگی و در نتیجه، روابط همسایگی ضعیف می شود، اعتماد اجتماعی در چنین مکان هایی کاهش می یابد و احساس ناامنی تشدید می شود و در نهایت همگرایی قومی کاهش می یابد.

با در نظر داشتن رابطه بین امنیت اجتماعی و خویشاوندی نژادی، نتایج مطالعه حاضر رابطه مثبت و معنی داری بین این دو متغیر نشان می دهد و دلیل این امر این است که امنیت اجتماعی ویژگی های اساسی نژادها را حفظ می کند که به عنوان تعریف مشترک هویت و علائق در نظر گرفته می شوند و هدف آن حفظ، تداوم و ایجاد شرایط قابل قبول برای نژادها است و منابع کشور این احساس تبعیض نژادی را از بین می برد و میل نژادی را افزایش می دهد.

در مورد تأثیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر خویشاوندی قومی، نتایج یک رابطه مثبت و معنی دار را نشان می دهد و در زمینه فرهنگی افزایش سطح دانش گروه های قومی، کاهش سطح قومیت و ارتقای درک فرهنگی با وعده پلورالیسم فرهنگی و قومی تحت هویتی جامع ضروری است. همچنین افزایش سواد و تحصیلات، به ویژه در مناطق روستایی و محروم، و آشنایی مردم با اصول مردم ایران از طریق کتاب های درسی برای همزیستی مسالمت آمیز افراد در محل کار و در کنار یکدیگر ضروری است در این راستا با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه، پیشنهادهایی برای افزایش نزدیکی بین اقوام مختلف در اهواز ارائه شده است:

- ۱- تشویق خط مشی ها برای افزایش ارتباطات بین قومی.
- ۲- جلوگیری از مواجهه اقلیت های دینی و تمرکز بیشتر بر اشتراکات دینی، فرهنگی و اجتماعی.
- ۳- سعی در بالا بردن سطح اعتماد بین اقوام و شناسایی عوامل موثر بر میزان خویشاوندی قومی.
- ۴- سعی در ایجاد قوانین اقتصادی یکسان و خلق فرصت های شغلی برای افراد دیگر نژادها.
- ۵- پرهیز از تمرکزگرایی و استفاده از نخبگان اقلیت ها در مناصب دولتی، توجه به شیوه اعطای مسئولیت ها در قلمرو گروه های قومی و پرهیز از تحمیل مدیریت و نمایندگی اقلیت های دیگر به آنان.
- ۶- خودداری از تقابل میان اقلیت های مذهبی و تأکید بیشتر بر مشترکات دینی، فرهنگی و اجتماعی.

- ۷- تلاش برای افزایش میزان اعتماد بین اقوام و شناسایی عوامل مؤثر بر میزان همگرایی قومی .
- ۸- سعی برای به وجود آوردن قوانین اقتصادی یکسان و ایجاد اشتغال برای سایر قومیت ها
- ۹- حفظ و ارتقای وفاق و اعتماد اجتماعی و پیشگیری از اهانت به پیشینه و زمینه های تاریخی و فرهنگی سایر اقوام.
- ۱۰- همکاری اقتصادی میسر با افراد سایر اقوام و آماده نمودن شرایط برای زندگی مسالمت آمیز.
- ۱۱- افزایش تأکید بر موارث فرهنگی و پیشینه تاریخی به ویژه همزیستی مسالمت آمیز اقوام.
- ۱۲- جلوگیری از ترویج احساسات کاذب و رقابت های قومی و تقویت احترام و تکریم متقابل شهروندان از سوی یکدیگر.
- ۱۳- توجه به حقوق شهروندی و پرهیز از شکل گیری احساسات ستیزه جویانه و اقلیت (قوم) ستیزانه در جامعه.
- ۱۴- کاهش محرومیت ها در مناطق قومی .
- ۱۵- نهادهای مدنی در جامعه گسترش یابند تا حس همیاری، همکاری و همدلی و نوع دوستی در میان اقوام ساکن شهر اهواز نهادینه شود.
- ۱۶- به مطالبات و خواسته های معقول و قانونی اقوام پاسخ منطقی داده شود و اصول و مبانی و تعالیم مشترک در جامعه ترویج و از احیاء و تأکید بر رواج امور تفرقه آمیز خودداری گردد.
- ۱۷- رسانه ها فضای مطلوب و شرایط مناسب را برای وفاق و همبستگی ملی در جامعه ایجاد کنند.
- ۱۸- با سوء تفاهم های فرهنگی درست برخورد شود و از تحقیر فرهنگی اقوام پرهیز گردد.
- ۱۹- علاقه و تعهد افراد به جامعه بیشتر شود تا با تکیه بر این شرایط ، همگرایی قومی افزایش یابد و انسجام و نظم اجتماعی در جامعه مستحکم تر کرد.
- ۲۰- تبعیض و نابرابری از بین برود، ثروت ها، درآمدها، امکانات، فرصت ها و خدمات زندگی به صورت عادلانه در جامعه توزیع شود.
- ۲۱- شبکه روابط اجتماعی قومی و مؤثر در جامعه شکل گیرد، روابط محدود و بسته قومی فرو ریزد و شبکه های مبتنی بر قوم گرایی دگرگون و شبکه اعتماد ملی و عمومی جایگزین آن شود.

- اخوان مفرد، حمیدرضا؛ هندیانی، عبدالله و زینال نژاد، حسن (۱۳۸۷). بررسی راه های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو. مجله مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره ۴، ص ۳۹.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷). شکاف های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار. ص ۳۳.
- ارونسون، الیوت (۱۳۷۰). روان شناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکر کن، تهران: رشد. ص ۷۵.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). قوم شناسی سیاسی. ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی. ص ۱۶۷.
- بن، استانی (۱۳۷۷). خرد در سیاست. ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: نشر کویر، ص ۱۷.
- بهرامیان، شفیع، بهرامیان، امید و عباسیان، شیرزاد (۱۳۹۰). «بررسی عوامل موثر بر تقویت هم گرایی بین اقوام در استان آذربایجان غربی». ماهنامه پژوهش نامه بسیج، شماره ۴. ص ۳۷.
- بیانلو، یوسف (۱۳۸۷). « بررسی جامعه شناختی نگرش شهروندان زنجان به قومیت گرایی (مطالعه موردی پان ترکیسم)». مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۷۳-۹۲.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ پرستش، شهرام، (بهار ۸۶)، دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی بر بورديو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۳۲-۱.
- حسینی بهشتی، علی رضا (۱۳۸۰). بنیادهای نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی، تهران، انتشارات بقعه، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، صفحه ۹.
- خداد حسینی، سید حمید، شاه طهماسبی، اسماعیل و شمس الهی، سارا (۱۳۹۰). تبیین جایگاه مدیریت تنوع قومی، عامل فراموش شده ی بهره وری در مدیریت کلان فرهنگی کشور. ماهنامه علمی تخصصی مهندسی فرهنگی، شماره ۵۳-۵۴، صفحه ۵۳.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی. ترجمه حسین بهروان، تهران: آستان قدس رضوی، ص ۲۵۴.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: انتشارات سروش، صفحه ۱۶۲-۱۶۳.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۷). نقش نهادهای غیر دولتی محله ای در تأمین امنیت اجتماعی (با تکیه بر شهر تهران). مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ی دوم، شماره ی ۲. صفحه ۱۴۶.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران: نقد و بررسی الگوهای موجود و ارائه الگوی مطلوب. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

صالحی، سیدرضا (۱۳۸۶). «شناخت چالش ها و بحران های قومی و الزامات مدیریت تنوع (تئوری های قومی): تنوع فرهنگی و همبستگی ملی». تهران: پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک شماره ۸، ص ۱۹.

ضرغامی، برزین، (۱۳۹۱). تحلیل فرصت ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه، شکاف های سیاسی- اجتماعی. مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، صص ۹۵-۱۱۰.

غلامحسینی، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۰). بررسی نقش هویت قومی بر امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران. مجله مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۶۱، صص ۱۳۵ - ۱۶۶.

کاتم، ریچارد (۱۳۸۵). ناسیونالیسم در ایران. ترجمه احمد تدین، تهران: نشر کویر، صفحه ۱۷.

کامیار، غلامرضا (۱۳۷۹). حقوق شهرسازی: تهران: انتشارات امجد، صفحه ۳۳.

گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی بوردیو. ترجمه محمدهدی لیبی، تهران: افکار. صص ۳۳۶-۳۳۷.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم، انتشارات صبح صادق، صفحه ۳۲.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷). سازه سرمایه ی فرهنگی و منابع مولد آن. رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ی دوازدهم، شماره ۲، صفحه ۱۴.

مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹). «فرهنگ ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)». فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۱۷۱، ص ۲۰۸.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و پدیده قوم گرایی در ایران. چکیده مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و هویت ملی. در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر و انجمن علوم سیاسی ایران، صص ۷-۸.

Barth, E.A. and Noel, D.L. (1972) "conceptual Frameworks for the analysis of race Relations". social forces, 336.

Lane, Jodi and James W Meeker (2005), Theories and fear of Gang crime among Whites and Latinos: A Replication and Extension of prior Research, journal of criminal justice. vol. 33.

Yinger, Jom (1985). assimilation in the united states: the Mexican – Americans, in W. Connor (ed) Mexican – Americans I comparative, Washington, DC, urban institute press.